

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴

تأثیرات ایدئولوژی چپ در عرصه انتخاب آثار ادبی جهت ترجمه

(مورد پژوهی: آثار ادبی ترجمه شده در دوران فعالیت رسمی حزب توده (۱۳۳۲-۱۳۲۰))

یاسمین خلیقی (دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

yasamin.khalighi1989@gmail.com

علی خزاعی فرید (دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

khazaefar@yahoo.com

علی ناظمیان فرد (دانشیار تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

nazemian@um.ac.ir

چکیده

ترجمه آثار ادبی در ایران، همواره تابعی از شرایط سیاسی-اجتماعی، گرایش‌های روشنفکری و ایدئولوژی مسلط در هر یک از دوره‌های تاریخی بوده است. یکی از مهم‌ترین دوره‌ها که رویدادهای سیاسی-اجتماعی آن در تحولات فرهنگی و ادبی و روشنفکری مؤثر بوده است، دوره بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ است. در این دوره، حزب توده نسبت به دیگر جریان‌های فکری و سیاسی در اوج توفیق بوده و در واقع نیروی پیشروی جریان‌های روشنفکری به حساب می‌آمده است. تقریباً تمام نویسندگان و مترجمان آن دوران یا مدتی عضو این حزب بوده‌اند و یا دست کم به لحاظ فکری به آن گرایش داشتند. در پژوهش حاضر سعی شده است تا تأثیرات حزب توده و ایدئولوژی چپ در عرصه انتخاب آثار ادبی جهت ترجمه مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور، آثار ادبی ترجمه شده در طول سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند تا تأثیر و بازتاب این ایدئولوژی در سطح انتخاب مشخص شود. از این رو ابتدا با بررسی مقدمه‌های مترجمان و نظریات محققین ادبی که به معرفی پیشینه نویسندگان و موضوع و محتوای آثار ادبی آن‌ها پرداخته‌اند، آثار ادبی همسو با مؤلفه‌های معنایی آشکار و پنهان تفکر چپ دسته‌بندی شده است و سپس با انتخاب مهم‌ترین اثر از هر دسته و به کارگیری نظریه جامعه‌شناسی ادبیات لئو لوونتال در آن، شاهدهی دیگر بر همسو بودن آثار با این تفکر خواهیم یافت. نتایج نشان می‌دهد که این مؤلفه‌های معنایی در آثار آموزه رئالیسم سوسیالیستی، ادبیات نویسندگان چپ‌گرا و تا حدودی آثار ادبی رئالیستی نمود می‌یابند و بیش از نیمی از آثار ادبی انتخاب شده جهت ترجمه در آن دوران در این سه دسته قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: حزب توده، ایدئولوژی چپ، انتخاب آثار ادبی، ترجمه.

۱. مقدمه

ترجمه آثار ادبی در ایران همواره تابعی از شرایط سیاسی-اجتماعی، گرایش‌های روشنفکری و ایدئولوژی مسلط در هر یک از دوره‌های تاریخی بوده است. هر زمان که در جامعه‌ای اختناق وجود دارد و نویسنده نمی‌تواند بازتاب درستی از جامعه ارائه دهد، ترجمه نقش برجسته‌تری پیدا می‌کند و می‌تواند در بازتاب خواسته‌های گروه‌های مختلف جامعه نقش ویژه‌ای ایفا کند (مسعودی‌نیا و رخشا، ۱۳۸۹، ص ۸۱). از این رو در هر دوره، مترجمان با توجه به باورها، گرایش‌های روشنفکری و دیدگاه گروه سیاسی یا اجتماعی مشخصی دست به ترجمه آثار ادبی خاصی زده‌اند. بدین ترتیب آثار ادبی ترجمه شده در هر دوره مشخصاتی کلی دارند که از وضعیت فرهنگی، سیاسی-اجتماعی، ایدئولوژی و باورهای روشنفکری مسلط سرچشمه می‌گیرند (میرعابدینی، ۱۳۶۶، ج ۱، صص ۱۳-۱۴). یکی از مهم‌ترین و مشهورترین دوره‌های تاریخی معاصر در ایران که رویدادهای سیاسی-اجتماعی آن در تحولات فرهنگی و روشنفکری مؤثر بوده است، دوره فعالیت رسمی حزب توده و سلطه ایدئولوژی چپ یعنی فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ می‌باشد. حزب توده از همان آغاز فعالیت خود در سال ۱۳۲۰، توجه زیادی به ترجمه نشان داد و گهواره‌ای برای پرورش بهترین روشنفکران ایرانی از جمله مترجمان شد؛ به طوری که از سال‌های ۱۳۲۰ به بعد اغلب مترجمان آثار ادبی از روشنفکران سیاسی بودند و چپ‌گرایان سهم مؤثری در کار ترجمه داشتند (امیرفریاد، ۱۳۸۰، ص ۷۰)؛ بنابراین بررسی تأثیرات حزب توده در زمینه ترجمه در خور توجه و تحقیق است و این نوشته بدون پیش-داوری بر آن است تا بداند که جدای از نفوذ گسترده و چشمگیر این حزب در میان روشنفکران، آیا در انتخاب آثار ادبی جهت ترجمه نیز می‌توان تأثیر این حزب و ایدئولوژی چپ را مشاهده کرد و به ماهیت این ترجمه‌ها در دهه‌ای که گذشت پی برد؟ این پرسشی است که در طول مقاله سعی می‌شود به آن پاسخ داده شود.

اهمیت این مقاله نیز از آن جهت است که این دوره زمانی در پژوهش‌های مختلف کمتر مورد توجه قرار گرفته است و به ندرت تحقیقی را می‌توان یافت که ترجمه‌های این دوره را از منظر مختلف به نقد یا بررسی گذاشته باشد و امید است که پژوهش حاضر نقطه عطفی برای تحقیق و بررسی بیشتر این موضوع باشد.

پیش از پرداختن به بحث اصلی، برای پاسخ به پرسشی که در مقدمه مطرح شد، قبل از هر چیز به تعاریف ایدئولوژی و تأثیر آن بر مترجم و فرآیند ترجمه از منظر مطالعات ترجمه خواهیم پرداخت. سپس به معرفی حزب توده و نقش آن در ترجمه و نیز جذب روشنفکران خاصه مترجمان در فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ می‌پردازیم؛ و در نهایت با بررسی مقدمه‌های آثار ادبی ترجمه شده و نظریات محققین ادبی به دسته‌بندی آثار همسو با تفکر چپ خواهیم پرداخت و با به کارگیری نظریه جامعه‌شناسی ادبیات لئو لئونتال در مهم‌ترین اثر ادبی ترجمه شده از هر دسته شاهدی دیگر بر همسو بودن آن با این تفکر خواهیم یافت و در صدد پاسخگویی به پرسش مقاله برمی‌آییم.

۲. پیشینه تحقیق

۱،۲ تعاریف ایدئولوژی

ایدئولوژی اصطلاحی است که از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف دارای تعاریف و معانی متعددی می‌باشد. صاحب‌نظرانی که از لحاظ فکری تا حدودی به مارکسیسم گرایش دارند، مفهوم ایدئولوژی را در بافت سیاست و قدرت بررسی کرده‌اند (آسیایی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱-۱۷۲). در این معنا، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از افکار و اعتقادات اطلاق می‌شود که به صورت ابزاری برای سلطه از جانب حاکمیت در نظر گرفته می‌شود و انسان‌ها را از دستیابی به دانش حقیقی درباره جامعه باز می‌دارد و موجب می‌شود به تصویری اشتباه از واقعیت دست یابند (ایگلتون، ۱۳۵۸، ص ۲۳)؛ و اما صاحب‌نظران دیگر ایدئولوژی را در مفاهیم گسترده‌تر و معنایی که از نظر سیاسی خنثی و جنبه انتقادی آن کمتر است، به کار می‌برند. از دید آن‌ها ایدئولوژی مجموعه‌ای از افکار و اعتقادات است که اصول افراد و گروه‌های خاص و نیز رابطه آن‌ها با جهان اطرافشان را مشخص می‌سازد (کالزادا پرز، ۲۰۰۳، نقل شده در آسیایی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲). در همین رابطه، حتیم و میسن (۱۹۹۷، نقل شده در آسیایی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳) ایدئولوژی را مجموعه‌ای از فرضیات تعریف می‌کنند که اصول و عقاید گروه‌های اجتماعی و سیاسی را نشان می‌دهد و در نهایت در قالب زبان عرضه می‌شود. در این پژوهش، ضمن توجه به تعاریف ارائه شده، تعریف حتیم و میسن از ایدئولوژی به عنوان راهنمای اصلی کار برگزیده شده است.

۱,۲ تأثیر ایدئولوژی بر مترجم و فرآیند ترجمه

آگاهی از پیچیدگی فرآیند ترجمه و همچنین اجتناب از دیدگاه‌های زبان‌شناسانه که ترجمه را به عنوان یک فرآیند انتقال لغات از متنی به متن دیگر می‌دیدند، منجر به تشخیص اهمیت ایدئولوژی در ترجمه شد. بر اساس گفته‌های آلوارز و ویدال (۱۹۹۶، ص ۵) در پس تمامی انتخاب‌های مترجم اعم از حذف، اضافه، انتخاب لغات و قرار دادن آن‌ها یک کنش آگاهانه وجود دارد که تاریخ مترجم و محیط اجتماعی-سیاسی اطراف وی و یا به عبارتی دیگر فرهنگ و ایدئولوژی‌اش را آشکار می‌سازد. در حقیقت مترجمان دارای یک نوع ایدئولوژی هستند که از همان ابتدای ترجمه خود را نشان می‌دهد. انتخاب کتابی خاص جهت ترجمه نشان‌دهنده یک ایدئولوژی خاص است (فرح‌زاد، ۲۰۰۰، نقل شده در آسیایی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳). نیومارک (۱۹۸۱، نقل شده در محمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۱) نیز نشان می‌دهد که حتی انتخاب متن جهت ترجمه نیز تحت تأثیر ایدئولوژی است. همچنین توری (۱۹۹۵، ص ۶۱) مفهوم هنجارها را که دارای اشتراکات زیادی با ایدئولوژی است، در مطالعات ترجمه به کار می‌برد و عنوان می‌کند که هنجارها در تمامی سطوح ترجمه از انتخاب متن تا مراحل نهایی تأثیر می‌گذارد. یکی از هنجارهایی که توری به بررسی آن می‌پردازد، هنجارهای مقدماتی (نخستین) است که در واقع این هنجارها، خط مشی ترجمه و سوی ترجمه را کنترل می‌کنند. در همین راستا، خط مشی ترجمه به آن عواملی باز می‌گردد که انتخاب انواع متون جهت ترجمه در یک زبان، فرهنگ و یا زمان خاص را تعیین می‌کنند (توری، ۱۹۹۵، ص ۵۸). از این رو انتخاب کتاب جهت ترجمه از سوی مترجم می‌تواند نشان‌دهنده ایدئولوژی باشد.

۲,۲ حزب توده و نقش آن در ترجمه

حزب توده، بزرگ‌ترین و مؤثرترین نیروی سیاسی مرتبط با مارکسیسم و مروج اصلی جریان کمونیستی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در ایران بود که در پی فروپاشی حکومت رضاشاه در سال ۱۳۲۰ پدید آمد و تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به فعالیت خود ادامه داد (بهروز، ۱۳۸۰، ص ۲۹). مقارن با روی کار آمدن این حزب، موجی عظیم از فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاصه ترجمه آثار ادبی پدیدار می‌شود؛ به طوری که فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ را «دوره انفجار ترجمه در

ایران) (خجسته رحیمی و شبانی، ۱۳۸۹، ص ۴۹) می‌دانند و شروع نهضت واقعی ترجمه را به این دوره نسبت داده‌اند (سیار، ۱۳۶۸، نقل شده در میرعابدینی، ۱۳۹۲، صص ۸۹-۹۰).

در فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، حزب توده علاوه بر نقش فعال و تأثیر جدی که در روند تحولات سیاسی-اجتماعی داشت، از همان آغاز فعالیتش به ادبیات، هنر و خاصه ترجمه توجه زیادی نشان داد، افراد را به خواندن کتاب و آثار نویسندگان مختلف تشویق می‌کرد، در زمینه ترجمه و انتشار داستان‌های کوتاه و رمان‌های خارجی فعال بود و با به راه انداختن روزنامه‌ها، ماهنامه‌ها و نشریات پرنفوذ مختلف از جمله "مردم"، "پیام نو" و "سیاست" به معرفی نویسندگان مختلف و آثارشان می‌پرداخت و مباحث نظری مربوط به هنر و ادبیات را برای روشنفکران مطرح می‌کرد (امامی، ۱۳۸۰، ص ۴۹؛ خسروپناه، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰؛ مسعودی‌نیا و رخشا، ۱۳۸۹، ص ۸۱). به طوری که در این دوره مبانی نظری رئالیسم سوسیالیستی یا همان ادبیات متعهد به باورهای حزبی از سوی حزب توده برای اولین بار در ایران مطرح و تبلیغ شد (نوابی، ۱۳۸۸، ص ۹۹؛ خسروپناه، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰) و در نخستین کنگره نویسندگان ایران که به رهبری حزب توده و با شرکت برجستگان فرهنگ و ادب برگزار شد، رئالیسم سوسیالیستی به عنوان راه اصلی ادبیات معرفی گردید (میرعابدینی، ۱۳۶۶، صص ۱۲۲-۱۲۳؛ میرعابدینی، ۱۳۷۷، صص ۲۰۶-۲۰۷). آموزه رئالیسم سوسیالیستی از همان آغاز فعالیت حزب توده مورد توجه اعضای آن بود و از طریق ترجمه داستان‌های کوتاه و رمان‌هایی از این آموزه در نشریات این حزب مطرح می‌شد (خسروپناه، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵). در واقع با روی کار آمدن حزب توده و رواج چپ‌گرایی و شکل‌گیری افکار مارکسیستی، ترجمه آثار آموزه رئالیسم سوسیالیستی، آثار نویسندگان چپ‌گرا و یا نویسندگانی که چپ‌گرایان به گونه‌ای به آن‌ها نظر داشتند، رواج یافت (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۹۷) و این حزب توانست طی یک دهه فعالیت رسمی با پرورش دادن شماری از اعضا و هواداران خود بدنه اصلی تولیدگران ادبیات چپ‌گرا را چه در زمینه تألیف و چه ترجمه تشکیل دهد (آذرنگ، ۱۳۹۳، ص ۱۹۴). البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که در این دوره علاوه بر ترجمه‌های آثار مذکور، آثار نویسندگان و شاعرانی که از دیگر مکاتب ادبی پیروی می‌کردند نیز ترجمه و چاپ می‌شد (خسروپناه، ۱۳۸۹، ص ۲۱۴)؛ به طوری که فعالان ادبی از دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به عنوان سال‌هایی سازنده و دوره مطرح شدن مکتب‌های فرهنگی گوناگون و رشد آگاهی

سیاسی و ادبی یاد می‌کنند و فضای ترجمه در این دوره را متنوع و زنده می‌دانند (گلستان، ۱۳۸۸، نقل شده در میرعابدینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱).

۳،۲ حزب توده و روشنفکران (مترجمان)

در فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، حزب توده با مشی مردم‌سالارانه و شعار تغییر و دگرگونی اساسی جامعه توانست نفوذ گسترده و چشمگیری در قشرهای مختلف اجتماعی به‌خصوص طبقات متوسط یابد و شمار بسیاری از نویسندگان، شاعران، مترجمان و روشنفکران را به حزب و برنامه‌های آن علاقه‌مند کند (آبراهامیان، ۱۳۸۷، ص ۴۰۷؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳). در واقع این حزب طی یک دهه فعالیت، گهواره‌ای شد که بهترین روشنفکران ایرانی در درون آن پرورش یافتند و با آن رابطه فکری برقرار کردند. در این دوره، چپ‌گرایان توانستند با ایجاد تشکل‌های فکری و جرگه‌های هم‌اندیشی و نیز داشتن صنعت نشر و امکانات چاپی، ماهنامه‌ها، مجلات و روزنامه‌های مختلف، همکاری بسیاری از صاحب‌قلم‌ان از جمله نویسندگان، شاعران و مترجمان را جلب کند و به صورت یک پاتوق روشنفکری برای آنان درآید. بسیاری از این روشنفکران که هر یک به‌گونه‌ای از گرایش‌های چپ تأثیر گرفته بودند، چه آن‌ها که از اعضای حزب بودند و چه وابستگان و علاقه‌مندان متمایل به چپ در زمینه ترجمه کتاب فعال شدند (آذرننگ، ۱۳۹۳، صص ۱۹۵-۱۹۶)؛ به‌طوری‌که پس از شهریور ۱۳۲۰ اغلب مترجمان از روشنفکران سیاسی بودند و چپ‌گرایان و افرادی که از خاستگاه حزب توده برآمده بودند، سهم مؤثری در کار ترجمه داشتند (امیر فریار، ۱۳۸۰، ص ۷۰). ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که برخی از روشنفکران آن دوران الزاماً چپ‌گرا نبودند و تنها اندیشه‌های آزادی‌خواهانه داشتند (آذرننگ، ۱۳۹۳، ص ۱۹۶).

۳. روش تحقیق

چهارچوب تحقیقی برای ارزیابی و تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌های معنایی آشکار و پنهان اندیشه چپ و مارکسیستی هستند که بر اساس آن‌ها آثار ادبی ترجمه شده در فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. این آثار با توجه به فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی از آغاز تا سال ۱۳۷۰ که از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی انجام شده، مجموع ۲۶۰ اثر

ادبی از ادبیات کشورهای بی که در طول این سالها بیشتر مورد توجه بوده‌اند، می‌باشد. بدین ترتیب ابتدا با بررسی مقدمه‌های آثار ادبی ترجمه شده و نظریات محققین ادبی که به معرفی پیشینه نویسندگان و موضوع و محتوای آثار ادبی آنها پرداخته‌اند، آثار ادبی همسو با تفکر چپ دسته‌بندی و سپس با انتخاب مهم‌ترین اثر از هر دسته و به کارگیری نظریه جامعه‌شناسی ادبیات لئو لونتال در آن، تجزیه و تحلیل شده‌اند تا شاهدی دیگر مبنی بر همسو بودن این آثار با تفکر چپ یافت شود. در بخش زیر مؤلفه‌های معنایی آشکار و پنهان اندیشه چپ و مارکسیستی که معیارهای ارزیابی این تحقیق هستند و در آثار ادبی نویسندگان مختلف می‌توان نمود آنها را یافت و همچنین نظریه جامعه‌شناختی ادبیات لئو لونتال، تعریف و مشخص شده‌اند:

مؤلفه‌های معنایی آشکار و شاخص اندیشه چپ و مارکسیستی عبارت‌اند از:

۱. تضاد میان طبقات اجتماعی و اقتصادی
۲. ترسیم زندگی پرولتاریا (کارگران)، دهقانان، توده‌های زحمتکش و مردم فقیر و رخوت زده (طبقات پایین جامعه)
۳. ابراز نوعی دلسوزی و تقدس قائل شدن برای طبقات پایین جامعه و تحقیر و بیزاری نزدیک به کینه از طبقه بورژوا یا سرمایه‌دار (طبقات بالای جامعه)
۴. ترسیم از خودبیگانی ناشی از استثمار طبقات پایین جامعه و رسیدن به آگاهی طبقاتی
۵. ترسیم مبارزات انقلابی طبقات پایین جامعه در راه وقوع انقلاب (سوسیالیستی)
۶. ترسیم جامعه هماهنگ و بی طبقه کمونیسم
۷. آموزش نظریات کمونیسم و تعلیم روح سوسیالیسم
۸. ایدئولوژی‌های سرکوب‌گرایانه مراجع و قدرت‌های مذهبی (کارل مارکس مذهب را افیون توده‌ها می‌داند که به واسطه آن افراد فقیر و با ایمان را از هر آنچه که نصیب آنها شده، راضی نگه می‌دارند) (تایسون، ۱۹۹۹، ص ۵۹).

این مؤلفه‌ها در دو دسته از آثار ادبی نمود می‌یابد:

۱. آثار ادبی آموزه رئالیسم سوسیالیستی که این مؤلفه‌ها به گونه‌ای ایدئولوژیک، تبلیغی و جهت‌دار در این آثار نمود می‌یابند به طوری که نویسنده ملزم به وفاداری مطلق از آرمان‌های سوسیالیسم و اصل

مبارزه طبقاتی و همچنین اتخاذ یک موضع پرولتاریایی و دوری از آلودگی‌های فرهنگ بورژوازی می‌باشد (لوکاچ، ۱۳۵۱، صص ۴-۵؛ ایگلتون، ۱۳۵۸، ص ۴۵؛ ساچکوف، ۱۳۶۲، صص ۲۴۳-۲۴۴؛ کالرنبون، ۱۹۹۱، صص ۱۳۱-۱۳۳؛ شمیسا، ۱۳۹۱، ص ۸۴)

۲. آثار ادبی نویسندگان چپ‌گرا که اگرچه آثارشان در دسته رئالیسم سوسیالیستی نمی‌گنجد و به این اندازه ایدئولوژیک، تبلیغی و جهت‌دار نیستند اما هر یک به اندازه‌ای دربردارنده این مؤلفه‌ها هستند و با تفکر چپ همسو می‌باشند.

مؤلفه‌های معنایی پنهان اندیشه چپ و مارکسیستی عبارت‌اند از:

۱. پتانسیل‌های اعتراضی و المان‌های انتقادی

۲. ترسیمی حقیقی و عینی از واقعیت و وضعیت موجود

۳. در تقابل قرار دادن خواننده با وضعیت موجود

۴. نفی وضعیت موجود و تغییر آن (کالرنبون، ۱۹۹۱، صص ۱۳۱-۱۳۳؛ مارکوزه، ۱۳۹۲، ص ۲۶۷).

این مؤلفه‌ها علاوه بر آثار دو دسته اول، در آثار ادبی رئالیستی نمود می‌یابد که این آثار با دیدی عینی و دقیق واقعیات زندگی و مسائل اعماق اجتماع، واقعیات مربوط به زندگی توده‌ها و طبقات پایین جامعه و دردهای اجتماعی آنان را به تصویر می‌کشد و به ترسیم قهرمانان از توده‌های مردم، طبقات متوسط شهری و یا کارگران، ترسیم‌کننده نسبت به بورژوازی و طبقات بالاتر می‌پردازد و درنهایت به انتقاد از وضعیت موجود و در تقابل قرار دادن خواننده با وضع موجود و در نتیجه نفی و تغییر آن اقدام می‌کند (حیدریان، ۱۳۸۵، صص ۳۶۶-۳۶۷؛ سید حسینی، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۲۷۰-۲۸۰؛ شمیسا، ۱۳۹۱، ص ۸۳). ذکر این نکته حائز اهمیت است که برخی از مؤلفه‌های آشکار و شاخص اندیشه چپ و مارکسیستی را نیز می‌توان تا حدودی در ادبیات رئالیستی یافت.

و اما نظریه جامعه‌شناسی ادبیات لئو لوونتال که برای ارزیابی و تحلیل متن مهم‌ترین اثر از هر دسته از آن استفاده می‌شود دارای چهار حوزه‌ی اساسی می‌باشد که عبارت‌اند از «محتوای کارکردی: ادبیات عامه‌پسند چه کارکردی دارد؟ تسکین‌دهنده یا آموزشی؟ ایستار نویسنده: می‌توان دیدگاه نویسنده را از خلال نگاه او در آثارش و شخصیت‌های آفریده او تا حد زیادی درک کرد؛ میراث

فرهنگی: ویژگی‌های اجتماعی چه طور در اثر توصیف می‌شوند؟ نقش محیط اجتماع: تأثیر مجموعه-های اجتماعی گوناگون، نظارت اجتماعی و پیشرفت‌های فنی» (لوونتال، ۱۳۸۶، نقل شده در جواد یگانه و تفنگ‌سازی، ۱۳۹۱، صص ۲-۳). در این پژوهش، دومین حوزه یا به‌عبارتی دیگر بررسی دیدگاه نویسنده مد نظر قرار گرفته است. هر چند که با بررسی مقدمه‌های آثار ادبی ترجمه شده و نظریات محققین ادبی که به معرفی پیشینه نویسندگان و موضوعات اصلی آثار ادبی آن‌ها پرداخته‌اند سعی در گنجاندن نویسندگان و آثارشان در ۳ دسته رئالیسم سوسیالیستی، نویسندگان چپ‌گرا و نیز آثار رئالیستی داریم اما از این طریق نیز می‌توان تأیید دیگری برای همسو بودن نویسنده و اثرش با تفکر چپ پیدا کرد.

۴. ارائه و تحلیل داده‌ها

با بررسی فهرست‌های موجود در مورد آثار ادبی ترجمه شده در فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ مشخص شد که آمار دقیقی از ترجمه این آثار در ایران وجود ندارد. با این همه در این پژوهش، فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی از اوان نشر تا سال ۱۳۷۰ که از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی انجام شده است، مورد استفاده قرار گرفته است که تدوین‌کنندگان آن اذعان دارند که با ریزنی‌های بسیار کوشیده‌اند تا فهرستی ارائه کنند که تا حد امکان عاری از کاستی‌های کتاب‌شناسی‌های موجود دیگر باشد (ناجی نصرآبادی، نقل شده در باشتنی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، صص بیست و چهارم).

بر اساس این فهرست، مجموع ۲۶۰ اثر ادبی از ادبیات کشورهای که در طول سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بیشتر مورد توجه بوده‌اند، ترجمه شده است؛ به طوری که ترجمه آثار ادبی نویسندگان روسی در صدر ترجمه‌های آن دوران قرار دارد و ۹۴ اثر از ۱۳ نویسنده روسی به فارسی ترجمه می‌شود. آثار ماکسیم گورکی (۳۳ اثر) بیش از دیگر نویسندگان روسی مورد توجه مترجمان ایرانی قرار می‌گیرد. پس از گورکی، آنتوان چخوف (۱۳ اثر)، لئو تولستوی (۱۰ اثر)، فئودور داستایوفسکی (۸ اثر)

۱ این تحقیق مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد اینجانب می‌باشد، در صورت نیاز به فهرست کامل این آثار ادبی ترجمه شده که شامل ادبیات هر کشور، نام نویسنده، نام اثر، نام مترجم، سال نشر و محل نشر و ناشر به تفکیک می‌باشد، می‌توانید با محققین تماس حاصل نمایید.

ایوان تورگنیف (۷ اثر)، ایلیا ارنبورگ (۶ اثر)، آکساندر پوشکین (۵ اثر)، نیکولای گوگول (۴ اثر)، میخائیل لرمانتوف (۳ اثر)، میخائیل شولوخوف (۲ اثر) نیکولای آستروفسکی، نیکولای چرنیشفسکی و ساموئل مارشاک (هر کدام ۱ اثر) قرار دارند.

ادبیات فرانسه با ترجمه ۷۰ اثر از ۲۴ نویسنده در ردیف دوم قرار دارد. از میان نویسندگان فرانسوی، آثار آنتول فرانس بیش از نویسندگان دیگر مورد توجه مترجمان قرار می‌گیرد. وی با ۱۴ اثر در صدر ترجمه‌ها قرار دارد. پس از وی امیل زولا (۶ اثر)، ژان پل سارتر (۵ اثر)، آنوره دو بالزاک، گی دو مویاسان (هر کدام ۴ اثر)، هانری باربوس، ژان برولر (ورکور)، هانری بوردو، میشل زواکو، آندره ژید، موریس مترلینگ و ویکتور هوگو (هر کدام ۳ اثر)، لویی آراگون، آلبر کامو، ژان لافیت، پیر لویی (هر کدام ۲ اثر)، استاندال، آکساندر دوما، رومن رولان، ژان ژاک روسو، گستاو فلوبر، شارل لویی منتسکیو، فرانسوا موریاک و اوژن یونسکو (هر کدام ۱ اثر) قرار دارند.

بعد از ادبیات فرانسه، ادبیات آلمان با ترجمه ۴۰ اثر از ۸ نویسنده در ردیف بعدی قرار دارد و آثار اشتفان تسوایک (۲۸ اثر) در صدر همه ترجمه‌ها می‌باشد. علاوه بر ترجمه آثار وی، ترجمه آثار آرتور شنیتسلر، فردریش شیلر، فرانتس کافکا، یوهان ولفگانگ گوته و توماس مان (هر کدام ۲ اثر) و همچنین راینر ماریا ریلکه و آنا زگرس (هر کدام ۱ اثر) قرار دارند.

ادبیات انگلیس با ترجمه ۲۷ اثر از ۱۴ نویسنده نیز در رده بعدی قرار دارد و آثار اسکار وایلد (۵ اثر) در صدر ترجمه‌ها می‌باشد. پس از وی، جورج برنارد شاو، ویلیام شکسپیر و ویلیام سامرست موام (هر کدام ۴ اثر)، جورج اورول، شارلوت برونته، جان بویتن پریستلی، رابرت ترسال یا (نونان)، دافنه دوموریه، چارلز دیکنز، دی اچ لارنس، اچ جی ولز (هربرت جورج ولز)، آتل لیلیان وینچ و آلدوس لئونارد هاکسلی (هر کدام ۱ اثر) قرار دارند.

و در نهایت ادبیات آمریکا با ترجمه ۲۲ اثر از ۶ نویسنده قرار دارد که جک لندن (۸ اثر) در صدر آنها می‌باشد. پس از آن می‌توان به مارک تواین (۶ اثر)، ارنست همینگوی (۴ اثر)، جان اشتاین‌بک (۲ اثر)، ادگار آلن پو و مارگارت میچل (هر کدام ۱ اثر) اشاره کرد. همچنین از ادبیات آمریکای جنوبی، می‌توان به خورخه آمادوی برزیلی با ترجمه ۱ اثر نیز اشاره کرد.

در این دوران ترجمه آثار نویسندگانی از اروپای شرقی مانند آرتور کستلر (۲ اثر) و لایوش زیلاهی (۱ اثر) از مجارستان و کارل چاپک، ژولیوس فوجیک و یاروسلاو هاشک (هر کدام ۱ اثر) از چک اسلاواکی نیز انجام شد که به گفته حسن میرعابدینی (۱۳۹۲، ص ۹۶) این نویسندگان تا آن زمان ناشناخته مانده بودند.

بررسی آثار ادبی ترجمه شده در این دوره به منظور همسو بودنشان با مؤلفه‌های معنایی تفکر چپ به دلیل تنوع ترجمه آثار ادبی کمی دشوار به نظر می‌رسد؛ اما ضمن بررسی مقدمه‌هایی که مترجمان بر آثار ادبی ترجمه شده در این دوره نوشته‌اند و نظریات محققان ادبی در مورد پیشینه نویسندگان مختلف و مضامین آثارشان، متوجه نقاط اشتراکی، آشکار یا در لفافه معنا، میان نویسندگان مختلف و آثارشان شدیم که به دلیل شرایط سیاسی خاص این دوره است. در ادامه با دسته‌بندی نویسندگان مختلف و آثارشان به معرفی نویسندگان و آثار همسو با تفکر چپ پرداخته و سپس با به کارگیری مدل لوونتال در مهم‌ترین و شاخص‌ترین اثر از هر دسته شاهدی دیگر بر ادعای همسو بودن اثر با تفکر چپ یافته تا تأثیر ایدئولوژی چپ در انتخاب آثار ادبی جهت ترجمه مشخص شود.

۱،۴ آموزه رئالیسم سوسیالیستی

همان‌طور که در روش تحقیق عنوان شد، مؤلفه‌های معنایی آشکار و شاخص تفکر چپ به گونه‌ای ایدئولوژیک، تبلیغی و جهت‌دار در آثار آموزه رئالیسم سوسیالیستی یا همان ادبیات رسمی-حزبی نمود می‌یابد. رئالیسم سوسیالیستی از همان آغاز فعالیت حزب توده، مورد توجه اعضای آن بود و طبعاً مترجمانی تحت تأثیر این حزب دست به ترجمه آثاری از این آموزه ادبی زدند به طوری که آثاری از گورکی، شولوخوف، آستروفسکی و چرنیشفسکی در این زمینه ترجمه شد که با ۳۷ اثر ۱۴ درصد از حجم آثار ادبی ترجمه شده در فاصله میان این سال‌ها را تشکیل می‌دهد.

ماکسیم گورکی را آفریننده آموزه ادبی رئالیسم سوسیالیستی و نویسنده پرولتر نامیده‌اند (هالیان، نقل شده در گورکی، ۱۳۲۳، ص ۱۸؛ نوشین، نقل شده در گورکی، ۱۳۳۰، ص ۷؛ محجوب، نقل شده در لندن، ۱۳۳۰ الف، ص ۳). در آثاری که در فاصله میان این سال‌ها از گورکی ترجمه شده است، زندگی طبقات استعمار شده و بینوای جامعه مانند کارگران، دهقانان و توده‌های زحمتکش، مظالم استثمارکنندگان و طبقه بورژوا و همچنین مبارزات طبقه پرولتاریا علیه طبقات سرمایه‌دار به تصویر

کشیده شده است (هاللیان، نقل شده در گورکی، ۱۳۲۳، ص ۱۷؛ کسمایی، نقل شده در گورکی، ۱۳۲۵، ص ۶؛ نوشین، نقل شده در گورکی، ۱۳۳۰، ص ۹؛ صادق، نقل شده در گورکی، ۱۳۳۱، صص ۳-۴)؛ آثاری که برنده‌ترین سلاح بر ضد طبقه حاکم و بهترین وسیله برای بیداری توده‌ها و تدارک انقلاب محسوب می‌شوند (هاللیان، نقل شده در گورکی، ۱۳۲۳، صص ۸-۱۰).

میخائیل شولوخوف نیز در نگارش داستان‌هایش به شیوه رئالیسم سوسیالیستی روی می‌آورد (شمیسا، ۱۳۹۱، ص ۸۴). در آثاری که از این نویسنده در این دوران ترجمه شده است، مصائب و تیره‌روزی‌های توده‌های زحمتکش و نیز دوره‌های مختلف انقلاب از جمله انقلاب ۱۹۱۷ اکتبر روسیه با شیوه‌ای واقع‌بینانه ترسیم شده و در آن‌ها قهرمانان در راه‌های پیشرفت و جستجوی عدالت و طرق و مسلک اشتراکی سوسیالیستی نمایانده می‌شوند (خانلری‌کیا، ۱۳۷۵، ص ۷۷۸).

نیکولای آستروفسکی نیز در نگارش اثر ترجمه شده خود تحت عنوان *چگونه فولاد آبدیده شد؟* به شیوه رئالیسم سوسیالیستی روی می‌آورد و در آن به ترسیم زندگی کارگران و چگونگی ایجاد پذیرش ایدئولوژی مارکسیسم و مبارزه آن‌ها در راه پیروزی سوسیالیسم می‌پردازد (بهرام، نقل شده در آستروفسکی، ۱۳۲۹، ص ۹)؛ و در نهایت تک اثری از نیکولای چرنیشفسکی تحت عنوان *چه باید کرد؟* نیز در این دوران ترجمه شد که لونیچارسکی در اولین کنگره نویسندگان شوروی که در آن رئالیسم سوسیالیستی به رسمیت شناخته شد، آن را طلایه‌دار این آموزه به حساب آورد (ژکولین، ۱۹۶۳، ص ۴۶۷). وی در این رمان به آموزش عقاید درخشان سوسیالیسم و بیان اندیشه‌ها و آرزوهای درخشان و سعادت‌مند بشر در جامعه‌ی کمونیستی می‌پردازد و با وضوح کامل تضاد منافع طبقاتی اجتماع عصر خود را نشان می‌دهد و از طبقه خرده بورژوازی کهنه پرست و نمایندگان آن به شدت انتقاد می‌کند و صحنه اجتماع سوسیالیستی آینده را مجسم می‌سازد (آذر، نقل شده در چرنیشفسکی، ۱۳۳۰، ص ۱۲).

۱,۱,۴ تحلیل مادر نوشته ماکسیم گورکی ترجمه علی اصغر سرروش (۱۳۲۳)

یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین آثار ترجمه شده در این دوران را که می‌توان در این قسمت بر اساس مدل لوونتال تجزیه و تحلیل کرد و مؤلفه‌های معنایی آشکار تفکر چپ را از آن بیرون کشید، رمان ماکسیم گورکی تحت عنوان *مادر* است که یکی از بهترین الگوهای جریان رئالیسم سوسیالیستی محسوب می‌شود. در این رمان ما به شخصیتی به نام پلاگی برمی‌خوریم که خواندن و نوشتن نمی‌-

داند، وی هم همسر یک کارگر است و هم مادر یک کارگر که نامش پاول است. پاول و دوستانش به عدالت و آزادی اعتقاد دارند و تنها راه مبارزه با جهل و ظلم را در انقلاب می‌دانند. در ابتدا مادرش از بحث میان پاول و دوستانش سر در نمی‌آورد اما چیزی نمی‌گذرد که میل به آزادی را در خود احساس می‌کند و با افکار پسرش و رفقای او مشارکت بیشتری پیدا می‌کند. وقتی پاول به تبعید محکوم می‌شود، مادرش در فعالیتهای مخفی جای او را می‌گیرد و در نهایت هم جان خود را از دست می‌دهد (ارزنده‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۱۴). نکته اصلی داستان که در واقع همان ترسیم زندگی کارگری و مبارزات انقلابی آنان در راه عدالت و آزادی است را می‌توان نمادی آشکار از تسلط تفکر چپ بر اندیشه این نویسنده و اثرش دانست. نکته‌های دیگری نیز در این باب است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. **ترسیم تضاد طبقاتی:** «سابقاً همه جا و در همه چیز تمایل بی‌شرمانه‌ای برای فریفتن بشر، چاپیدن او و حداکثر استفاده از وجود او را می‌دید و نیز وقتی که می‌دید همه چیز روی زمین فراوان است ولی باوجوداین، توده در فلاکت زندگی می‌کند و نیمی دیگر در ثروت غرق‌اند و هنگامی که می‌دید در شهرها معبدهایی پر از طلا و نقره که برای خدا بی‌فایده است وجود دارد و در کنار کلیساهای باشکوه و کشیشانی که لباده‌های زربفت به تن دارند، مردمان فلک‌زده، لرزان از سرما بیهوده منتظر صدقه هستند. آلونک‌های کثیف فقرا و لباس‌های ژنده و متعفن آن‌ها را می‌دید فکر می‌کرد این مسئله کاملاً طبیعی است ولی حالا آن وضعیت را زشت و ناپسند می‌شمرد به خصوص برای کلیسا. چون فقرا احترام خاصی برای کلیسا قائل هستند.» (سروش، نقل شده در گورکی، ۱۳۲۳، ص ۳۰۳).

۲. **ترسیم از خودبیگانی ناشی از استثمار طبقه پرولتاریا و رسیدن به آگاهی طبقاتی:** «رفقا! این ما هستیم که کلیساهای و کارخانه‌ها را بنا می‌کنیم؛ زنجیرها را می‌سازیم و نقره‌ها را آب می‌کنیم؛ ماییم آن نیروی زنده که به همه، از گهواره تا گور، نان می‌دهیم و لذت‌های زندگی را به آن‌ها می‌بخشیم.» «همیشه و قبل از همه سر کار حاضریم ولی برای زندگی کردن در صف آخر. چه کسی به فکر ماست؟ چه کسی خیر ما را می‌خواهد؟ چه کسی به چشم آدم به ما نگاه می‌کند؟ هیچ‌کس!» «ما تا وقتی که خود را مددکار و یاری‌دهنده به هم حس نکنیم و تا به صورت یک خانواده‌ی دوست و

متحد در نیایم که با عشق به مبارزه برای کسب حقوق به هم پیوسته شده‌اند، نصیب بهتری از زندگی نخواهیم داشت.» (سروش، نقل شده در گورکی، ۱۳۲۳، ص ۹۸).

۳. **ایدئولوژی‌های سرکوب‌گرایانه مراجع و قدرت‌های مذهبی:** «من از خدای مهربون و بخشنده‌ای که شما به اون اعتقاد دارید حرف نمی‌زنم. بلکه مقصودم اون خدایی بود که کشیش‌ها مثل چماق بالای سرمان نگه داشتن و ما رو با اون تهدید می‌کنن و به نام اون قصد دارن همه‌ی مردم رو مجبور کنن تا از اراده‌ی ظالمانه‌ی چند نفر اطاعت کنن.» (سروش، نقل شده در گورکی، ۱۳۲۳، ص ۸۹).

۲,۴ ادبیات نویسندگان چپ‌گرا

در فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، ترجمه آثار ادبی دیگر نویسندگان چپ‌گرا نیز به واسطه وابستگیان حزب توده و مترجمان رونق یافت (میرعابدینی، ۱۳۹۲، ص ۹۳)؛ به طوری که آثاری از فرانس، لندن، ارنبورگ، شاو، باربوس، آراگون، لافیت، فوجیک، ترسال، آمادو، زگرس، اشتاین‌بک و وینچ در این زمینه ترجمه شد که با ۴۶ اثر ۱۷ درصد از آثار ترجمه شده در آن دوران را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که در روش تحقیق بحث شد، مؤلفه‌های معنایی آشکار و شاخص اندیشه چپ و مارکسیستی در آثار ادبی نویسندگان چپ‌گرا نیز نمود می‌یابد.

آنا تول فرانس همواره قلم خود را در مبارزه با طبقه اقویا به کار می‌برد و در آثار ترجمه شده خود نشان می‌دهد که همواره دسته‌ای ظالم و دسته‌ای دیگر مظلوم بوده‌اند و منافع اکثریت مردم ملعبه مشتی استفاده جو و استثمارگر بوده است (غنی سبزواری، نقل شده در فرانس، ۱۳۲۳، ص ۲۴؛ داناسرشت، نقل شده در فرانس، ۱۳۲۶، ص ۲؛ قاضی، نقل شده در فرانس، ۱۳۳۲، ص ۱۷). وی به انتقاد از عالم مسیحیت و جامعه نوین و نیز بحث پیرامون قدیسان می‌پردازد و بدین گونه به شک در مورد مذهب دامن می‌زند (میرعابدینی، ۱۳۹۲، ص ۹۵) و نشان می‌دهد که کلیسا، ارتش و دولت، نه برای دفاع از منافع ملت و توده‌ها بلکه برای دفاع از منافع خصوصی طبقات حاکم، به وجود آمده است (داناسرشت، نقل شده در فرانس، ۱۳۲۶، ص ۲).

ترجمه آثار دیگر نویسندگان چپ‌گرا مثل **جک لندن** که تا آخر عمر خویش فرزند خلف و وفادار پرولتاریا باقی ماند (صبحدم، نقل شده در لندن، ۱۳۳۱، ص ۵) نیز انجام شد که در این آثار زندگی فقیرانه و دشوار طبقات پایین جامعه، مظلوم استثمارگران و ستمگران به تصویر کشیده شده و

دشمنی آشتی‌ناپذیر نویسنده با طبقات مغتنم و طفیلی اجتماع زرپرست و ددمنش و نیز فریاد اعتراض و انزجارش بر ضد نظام سرمایه‌داری هویدا است (بهرز، نقل شده در لندن، ۱۳۳۰، صص ۲۶-۲۷؛ محجوب، نقل شده در لندن، ۱۳۳۰ ب، ص ۷). ترجمه آثار ایلیا ارنیورگ که در کتاب‌هایش به ترسیم تابلوهایی از تمایزات نژادی، فقر و مسکنت وحشت‌آور کارگران و میلیاردها پولی که به جیب سرمایه‌داران جنگ‌افروز می‌رود، می‌پردازد نیز انجام شده است (بابک، نقل شده در ارنیورگ، ۱۳۲۶، صص ۳-۴)؛ وی در همه آثارش سوسیالیسم را می‌ستاید (خانلری‌کیا، ۱۳۷۵، صص ۵۸-۵۹). در این دوره ترجمه آثاری از دیگر نویسندگان چپ‌گرا از جمله جورج برنارد شاو که در آثارش به تبلیغ سوسیالیسم می‌پردازد و تأکید می‌کند که سوسیالیسم می‌تواند دشواری‌های به وجود آمده از سوی سرمایه‌داران را از میان ببرد، نیز انجام شد (دانشور، نقل شده در شاو، ۱۳۲۷، صص ۱۷-۲۰؛ ارزنده‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۹۶).

در این دوره می‌توان به ترجمه آثار ادبی هنری باربوس نیز اشاره کرد؛ وی در آثارش تازیانة انتقاد را بر پشت سرمایه‌داران فرود آورده است و مبارزه افراد با امپریالیسم و فاشیسم را برای پیروزی سوسیالیسم به تصویر می‌کشد و از جامعه‌ای سخن می‌گوید که در آن صلح و تساوی و عدالت و آزادی انسان‌ها از یوغ بردگی سرمایه‌داری حاکم خواهد شد (افسر، نقل شده در باربوس، ۱۳۲۵، صص ۲-۳) همچنین آثاری از لویی آراگون نیز ترجمه شد؛ وی در آثار خود همه چیز را از دیدگاه عقاید مارکسیستی مورد توجه قرار داده و از فساد طبقه سرمایه‌دار و مبارزه افراد برای پیروزی سوسیالیسم سخن گفته است (خانلری‌کیا، ۱۳۷۵، صص ۲۴-۲۵؛ میرعابدینی، ۱۳۹۲، ص ۹۴). آثاری از ژان لافیت، نویسنده بسیاری از آثار جاویدان کمونیستی، نیز به فارسی برگردانده شد که همگی جزء کتاب‌های کمونیست‌ها بودند و تأثیر بسزایی بر تقویت روحیه کمونیستی جوانان به خصوص جوانان ایران گذاشت و آنان را با مبارزه بزرگ جبهه ضدفاشیستی در جهان آشنا ساخت.

اثر ژولیوس فوچیک با عنوان زیر چوبه دار نیز در این دوره ترجمه شد که نخستین شکوفه‌های رئالیسم سوسیالیستی در آن به چشم می‌خورد و مضامین آن مستقیماً از کار سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیستی ناشی می‌شود (صادق، نقل شده در فوچیک، ۱۳۳۰، ص ۱۲). رابرت ترسال نیز در تک اثر ترجمه شده خود تحت عنوان بشر دوستان زنده پوش نقش بارزی در افشای ماهیت غیرانسانی

نظام سرمایه‌داری داشت و این اثر به شدت مورد توجه جنبش چپ و آکادمیسین‌ها بود (نامور، نقل شده در ترسال، ۱۳۲۴، ص ۱۶۴). همچنین ترجمه تک اثر خورخه آمادو یکی دیگر از نویسندگان کمونیست تحت عنوان سرزمین میوه‌های طلایی نیز صورت گرفت که این کتاب شرح زندگی واقعی کارگران، ملت زحمتکش، توده‌های دربند کشیده، محرومان و آوارگان بیکار و گرسنه برزیل و دردها، رنج‌ها، شکنجه‌ها و امیدهای آنان است (صادق و بهروز، نقل شده در آمادو، ۱۳۳۰، صص ۶-۷). آنا زگرس نویسنده کمونیست آلمانی نیز در نگارش تک اثر ترجمه شده خود با عنوان *خرابکاری* داستان زندگی سه کارگر سوسیالیست را به تصویر می‌کشد که به مبارزه علیه نیروهای نازی آلمان یا به عبارتی دیگر فاشیست‌ها می‌پردازد.

در این دوره آثاری از جان اشتاین‌بک و تک اثر اتل لیلیان وینچ با عنوان *خرمگس* نیز ترجمه شد؛ اگرچه این دو نویسنده هیچ‌گاه به عضویت احزاب چپ درنیامدند اما هر دو تا حدودی دارای مواضع و تفکرات چپی و انقلابی بودند، به طوری که اشتاین‌بک به درستی استعداد خود را در ادبیات عامه و کارگری نشان داده است و در آثارش از زندگی کارگران، رنجبران و مستمندان سخن گفته و به شرح بدبختی‌ها، تیره‌روزی‌ها، درماندگی‌ها و مصائب مردم پرداخته است (محبوب، نقل شده در اشتاین‌بک، ۱۳۲۸، ص ۴؛ مسکوب و احمدی، نقل شده در اشتاین‌بک، ۱۳۲۸، ص ۲). وینچ نیز در *رمان خرمگس* با دیدی رئالیستی تصویری از مسائل اجتماعی و انسان‌هایی که برای کسب آزادی، استقلال، گسستن بندهای اسارت و استعمار و وابستگی و حقوق اجتماعی خود دست به مبارزه و انقلاب می‌زنند، ارائه می‌دهد و همچنین به بر ملاً ساختن ریاکاری و قساوت خادمان کلیسا می‌پردازد با این ادعا که در طبقه‌ی روحانیون می‌توان کسانی را یافت که در کمال نیرو و قدرت ایمان، مقتدا و راهنمای هزاران روانکاو باشد و در مقابل هیچ بعید نیست باشند زاهدان خودآرایی که نه تنها تفکر و روانشان در تباهی و آلودگی‌های گوناگون قرار داشته بلکه دم ابلیسی آنان باعث انحطاط یک گروه کثیری از طبقات جوان و آزاده اجتماع می‌شود (همایون، نقل شده در وینچ، ۱۳۳۲، ص ۱۰).

۱،۲،۴ تحلیل پاشنه آهنین نوشته جک لندن ترجمه م. صبحدم (محمدجعفر محبوب) (۱۳۳۱)

یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین آثاری را که می‌توان در این قسمت بر اساس مدل لونتال تجزیه و تحلیل کرد و مؤلفه‌های معنایی آشکار تفکر چپ را از آن بیرون کشید، *رمان جک لندن* با

عنوان *پاشنه آهنین* است که لندن توسط آن حکومت توانگران را مشخص می‌کند و از بهترین آثار این دسته از نویسندگان به حساب می‌آید. در این رمان ما با قهرمانی سوسیالیست به نام ارنست اورهارد برمی‌خوریم که نمونه یک مجاهد کامل و مرد مبارز تیپ پرولتاریایی انقلابی هنگام در افتادن با دشمن طبقاتی خویش است (بهر روز، نقل شده در لندن، ۱۳۳۰، ص ۲۷؛ صبحدم، نقل شده در لندن، ۱۳۳۱، ص ۵؛ نوذر، نقل شده در لندن، ۱۳۳۲، ص ۴). نکته اصلی داستان که در واقع همان مبارزات کارگری سوسیالیستی تا نابود شدن حکومت سرمایه‌داران است را می‌توان نمادی آشکار از تسلط دیدگاه چپ و مارکسیستی بر اندیشه این نویسنده و اثرش دانست. نکته‌های دیگری نیز در این باب است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. **ترسیم تضاد طبقاتی و استثمار طبقه پرولتاریا:** «در شیکاگو هستند زنانی که تمام هفته را برای به دست آوردن نود سنت کار می‌کنند.» (صبحدم، نقل شده در لندن، ۱۳۳۱، ص ۵۲). «کودکان شش هفت ساله هر شب دوازده ساعت کار می‌کنند. آنان هرگز روشنایی جان‌پرور روز را نمی‌بینند و مانند مگس‌ها می‌میرند. سود کارخانه‌ها به بهای خون آنان به صاحبانشان پرداخت می‌شود و با این پول سرمایه‌داران کلیساهای عالی در انگلستان بنا می‌کنند و امثال شما در آنجا در برابر شکم‌هایی که از درآمد سود کارخانه‌ها فربه شده‌اند پرحرفی‌های مطبوع می‌کنند.» (صبحدم، نقل شده در لندن، ۱۳۳۱، ص ۵۳).

۲. **تحقیر و بی‌زاری نزدیک به کینه از طبقات بورژوا:** «من در زندگی سرمایه‌داری به هیچ آدم پاک، شریف و زنده برنخوردم. این زندگی به سرعت بسوی فنا و پوسیدگی می‌رود. تنها چیزی که من در آنجا یافتم خودپسندی عظیم و بی‌مغز و بی‌عاطفه و پابندی به مادیات تا آنجا که ممکن است، بود.» (صبحدم، نقل شده در لندن، ۱۳۳۱، ص ۹۱). «و تا وقتی که انسان در اجتماعی زندگی می‌کند که پایه‌های نظم آن روی اخلاق خوک‌ها قرار گرفته است، همچنان خودخواه باقی می‌ماند. آری، اخلاق خوک‌ها! این آخرین نامی است که به سیستم سرمایه‌داری شما می‌توان داد.» (صبحدم، نقل شده در لندن، ۱۳۳۱، ص ۴۹).

۳. **ترسیم مبارزات انقلابی پرولتاریا در راه وقوع انقلاب سوسیالیستی:** «ما پرولتاریا با اطمینان کامل از روی سینه بشریت زمین خورده، این پاشنه آهنین لعنت زده را خواهیم کند. تا علامت معین داده شود،

در همه جا فوج‌های کارگران برخوانند خاست و هرگز چنین چیزی در تاریخ دیده نشده است. همکاری و تشریک مساعی توده‌های زحمتکش تأمین شده است و برای نخستین بار یک انقلاب بین‌المللی، بهوسعت دامنه جهان، آغاز خواهد شد.» (صبحدم، نقل شده در لندن، ۱۳۳۱، ص ۲۵).

۳،۴ آثار ادبی رئالیستی

در نهایت با نگاهی دیگر به آثار ترجمه شده در این سال‌ها درمی‌یابیم که ترجمه آثار ادبی رئالیستی نیز رونق چشمگیری یافته است. همان‌طور که در روش تحقیق عنوان شد، مؤلفه‌های معنایی پنهان تفکر چپ در این دسته از آثار نمود می‌یابد. این آثار که بر اساس هدف انتقاد اجتماعی‌شان نسبت به وضع موجود و در نتیجه نفی و تغییر آن با تفکر چپ فصل مشترک پیدا می‌کنند، مورد توجه مترجمان آن دوران قرار می‌گیرند. در نتیجه آثاری از نویسندگان رئالیست از جمله چخوف، تولستوی، داستایوفسکی، تورگنیف، تواین، بالزاک، استاندال، فلوربر، دیکنز و همینگوی که دکتر سیروس شمیسا (۱۳۹۰، ص ۸۳) از وی به عنوان نئورئالیست یاد می‌کند که با لحنی غالباً زننده و خشن سعی می‌کند انسان و جامعه را آن‌گونه که هست با همه بدی‌ها و معایب و نواقص آن شرح دهد و پوشکین که بوریس ساچکوف (۱۳۶۲، صص ۸۸-۸۹) او را پدر و بنیان‌گذار رئالیسم روسیه می‌داند و گوگول و لرماتوف که محمد ارزنده‌نیا (۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۷۹) آن‌ها را اولین میوه‌های رئالیسم روسیه در نظر می‌گیرد، ترجمه شد که با ۶۷ اثر، ۲۵ درصد از حجم آثار ترجمه شده در آن دوران را تشکیل می‌دهد. در آثاری که در این دوران از چخوف ترجمه شده است، اوضاع جامعه بیمارگونه و نابسامان تزاری روسیه و زندگی توده‌ها به تصویر کشیده شده و به دفاع از طبقات پایین جامعه پرداخته، در این آثار تنفر از پستی و فساد جامعه بورژوازی و طبقه اشراف و عشق و علاقه به دموکراسی و آزادی به چشم می‌خورد و در آن‌ها از پیش‌بینی وقوع یک انقلاب دگرگون‌کننده و استقرار روابط اجتماعی نوین صحبت به میان آمده است (صفوی، نقل شده در چخوف، ۱۳۳۱، صص ۱۲-۱۳). همچنین در این دوران آثاری از تولستوی ترجمه شد که در این آثار آرزوها، خواستها و احتیاجات توده‌های زحمتکش ملت یعنی طبقه کشاورزان، دهقانان و رعایای روسی که اسیر پنجه نابکار سرمایه‌داران بوده‌اند به تصویر کشیده شده و سیمای نفرت‌انگیز کارگزاران دربار تزاری، زشتی و کراهت طبقات حاکم و ممتاز، بیدادگری‌های دیکتاتوری نظامی، دلسوزی در حق ستم‌دیدگان و نابهرگان اجتماع،

فقر، بدبختی، فلاکت و فحشای سراسر شهر و جوانان انقلابی، ترسیم می‌شود (خلتاش، نقل شده در تولستوی، ۱۳۲۶، ص ۲۲؛ مجاب، نقل شده در تولستوی، ۱۳۳۰، ص ۳۱). وی در زمینه سوسیالیسم و مرام اشتراکی نظر مثبتی بیان نکرده اما می‌توان او را نزدیک به این مرام دانست و حتی در برخی از آثارش افکار سوسیالیستی را به میان کشیده است (مجاب، نقل شده در تولستوی، ۱۳۳۰، ص ۳۳). آثار ترجمه شده از داستایوفسکی نیز تصویری از ستمگری‌ها، لکه‌ها و مفاسد بی‌پایان اجتماع، فساد دستگاه حاکمه غاصب، حالات روحی مردم جامعه، مصائب دهشت‌انگیز و دردها و رنج‌ها و بی‌نوایی‌ها و جنگ و گریزهای بشر ارائه می‌دهد و در آن‌ها همدردی با تحقیرشدگان، بیچارگان و شکست‌خورده‌گان قابل ترحم و دردمند به چشم می‌خورد (الهی، نقل شده در داستایوفسکی، ۱۳۲۷، ص ۲؛ همدانی، نقل شده در داستایوفسکی، ۱۳۲۷، ص ۴؛ الهی، نقل شده در داستایوفسکی، ۱۳۳۲، صص ۴-۵؛ ارزنده‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۸۷).

آثار ترجمه شده از تورگنیف نیز همگی به شرح زندگی روستاییان و مردم بی‌چیز و محروم از نعمت‌های دنیا و نیز بدبختی‌ها و احتیاجات دائمی و شادی‌های نادر آن‌ها و مبارزه با بردگی و استبداد پرداخته‌اند و حاوی انتقاد شدید از رژیم غلامی دهقانان که در روسیه تزاری معمول بود، می‌باشند (شفا، نقل شده در تورگنیف، ۱۳۳۱، ص ۱؛ میرفندرسکی، نقل شده در تورگنیف، ۱۳۳۱، صص ۹-۱۳). در آثاری که از تواین در این دوران ترجمه شده است، زندگی توده مردم و فقر و نداری آن‌ها، اوضاع و احوال جامعه طبقاتی و ظالمانه و فقدان عدالت اجتماعی به تصویر کشیده شده و در آن‌ها تنفر از نظام سرمایه‌داری و برده‌داری و رویه امپریالیستی و استعمارگرانه، دفاع از حقوق زنان، سیاهپوستان و کارگران به چشم می‌خورد (بافندی، نقل شده در تواین، ۱۳۸۹، ص ۸). در این آثار، طبقات بالا دست جامعه به تمسخر گرفته می‌شود و نشان می‌دهد که تا چه حد مراسم دربار، تشریفات دست و پا گیر و بی‌معنی و عظمت و شکوه اشرافیان و شاهان احمقانه و دروغ است (ارزنده‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۴۱). همچنین در آثاری که از پوشکین ترجمه شده، از دو طبقه نجبا و بردگان و تناقض میان طبقه اشراف حاکم و دهقانان محکوم که مهم‌ترین تضاد اجتماعی روسیه تزاری بوده است، صحبت به میان آمده و زنجیر فرمانبری و انقیاد زمین‌داران بزرگ بر گردن دهقانان و بردگان و پول و سود زیادی که از این راه عایدشان می‌شود، فقر و رنج و عدم رضایت آن‌ها و

در نهایت شورش و بلوای دهقانان به تصویر کشیده شده است (نوروزی، نقل شده در پوشکین، ۱۳۲۸، صص ۵-۱۰)

در آثار ترجمه شده از بالزاک نیز پرده‌ای از مبارزات طبقاتی ترسیم می‌شود که مرثیه‌ای برای سقوط اجتناب‌ناپذیر طبقه اشراف است؛ در هر فرصتی اشرافیت را به باد تلخ‌ترین و بدترین سرزنش‌ها می‌گیرد و منشأ ثروت بورژواها را که به یاری شرع و قانون ریوده شده است، نشان می‌دهد و عاقبت خوبی برای این طبقه پیش‌بینی نمی‌کند؛ همچنین وی به شرح حقایق و واقعیت‌های تلخ زندگی می‌پردازد و از حقایق و عوامل بورژوازی و ابتدال و وسوسه‌های ماده‌پرستی، قدرت پول و جاه‌پرستی مردم سخن به میان آورده است (توکل، نقل شده در بالزاک، ۱۳۲۷، صص ۲۰-۲۲؛ توکل و سیدحسینی، نقل شده در بالزاک، ۱۳۲۷، ص ۳۰). در آثاری که از گوگول در فاصله میان این سال‌ها ترجمه شده، زندگی مردم روستایی و رعایای روسی رژیم تزاری، بینوایی بیچارگان، اخلاق و روحیات ملاکان، پستی‌ها، دزدی‌ها، رشوه‌خواری‌ها، قماربازی‌ها و فساد مأمورین دولت تشریح می‌شود و طبقات بالا و پایین جامعه به نقد کشیده می‌شوند (شمیده، نقل شده در گوگول، ۱۳۲۳، ص ۸؛ آذرخشی، نقل شده در گوگول، ۱۳۳۰، صص ۳-۴). آثار ترجمه شده از همینگوی که خود نیز مدتی به مرام کمونیسم روی آورد (یحیوی، نقل شده در همینگوی، ۱۳۳۲، ص ۸) تماماً تصویری از مشکلات زندگانی عامه مردم، حق آزادی رعایا، امیدها و ناامیدی‌های آنان، برانگیختن حس قیام و مبارزه‌طلبی در مقابل ظلم و مبارزه برای حیات و آزادی ارائه می‌دهد (یحیوی، نقل شده در همینگوی، ۱۳۳۲، صص ۵-۹).

در تک اثر ترجمه شده از دیکنز با عنوان *دیوید کاپرفیلد* نیز صحبت از وضع زندگی مردم قربانیان اجتماع نکبت‌بار، بی‌چیزی و نداری، زنان و کودکانی که در کارخانه‌ها و معادن به سخت‌ترین کارها گمارده می‌شدند و در مقابل مزد کمی می‌گرفتند، به میان می‌آید و اوضاع اجتماعی نامطلوب و همه نواقص و معایب جامعه را نشان می‌دهد و خواستار بهبود وضع مردم و اجتماع است (رجب‌نیا، نقل شده در دیکنز، ج ۱، ۱۳۲۹، صص ۳-۴). در تک اثر ترجمه شده از لرمانتوف با عنوان *قهرمان دوران* نیز آینه‌ای از حقایق و واقعیات محیط زندگی و منظره روشنی از زندگی روسیه تزاری مجسم می‌شود و در آن فریاد خشم وی بر ضد جامعه و دستگاه حکومت تزار و روح بردگی و اطاعت

محض که در عصر او فرمانروایی داشت و نیز نفرت او از استبداد، خشونت، ستمگری‌ها، لحن تحقیرآمیزش نسبت به اربابان و ملاکان و حمایت شدید از حقوق و آزادی فردی و توصیف غم‌انگیز حالات روحی بشر، آشکار است (خانلری‌کیا، ۱۳۷۵، صص ۱۱۰۶-۱۱۰۹). در تک اثر ترجمه شده از فلوربا با عنوان *مادام بوواری* نیز به طرز برجسته و مشخصی از زندگی اشراف انتقاد می‌شود و عاقبت پیروی از تمایلات نفس را نشان می‌دهد (پورشالچی، نقل شده در فلوربا، ۱۳۲۷، ص ۱۳۶). استاندال نیز در نگارش تک اثر ترجمه شده خود با عنوان *سرخ و سیاه* که بزرگ‌ترین موضوع آن جنگ طبقه-ها است، به توصیف طبقه ممتاز و نیز طبقه رنجبر می‌پردازد (توکل، نقل شده در استاندال، ۱۳۳۰، ص ۸).

۱،۳،۴ تحلیل سرخ و سیاه نوشته استاندال ترجمه عبدالله توکل (۱۳۳۰)

یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین آثاری را که می‌توان در این قسمت بر اساس مدل لوونتال تجزیه و تحلیل کرد و مؤلفه‌های معنایی پنهان تفکر چپ را از آن بیرون کشید، رمان استاندال با عنوان *سرخ و سیاه* است که بزرگ‌ترین موضوع آن جنگ طبقه‌های رنجبر و بورژوازی است و از بهترین آثار این دسته از نویسندگان به حساب می‌آید. در این رمان با مسیو دورنال که مظهر طبقه ممتاز است، روبرو می‌شویم که در ظاهر مؤدب و مهربان و در باطن در مبارزه ستمگرانه خود با طبقه بی‌بهره از امتیاز سخت سنگدل است و با طبقه رنجبر که سورل-پدر ژولین شخصیت اصلی داستان- نمایندگان آن هستند بی‌واسطه در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. در این داستان صحبت از دیوار به میان می‌آید دیواری که مثل حصار دو دنیای توانگر و بی‌چیز و دارا و ندار را از یکدیگر جدا می‌کند و از این گذشته برج و بارویی است که دنیای بورژوازی را از تاخت و تاز دهقانان و کارگران نگه می‌دارد و طبقه ممتاز به رغم مهربانی و ادب و آبرومندی در پشت برج و باروی خود بیکار نشسته است و پیوسته با عناصری که در بیرون این برج و بارو هستند در ستیز است و بر برج خود می‌افزاید و زمین-های تازه به چنگ می‌آورد (توکل، نقل شده در استاندال، ۱۳۳۰، صص ۶-۸). نکته اصلی داستان که در واقع همان ترسیم مبارزات طبقاتی بین طبقه ممتاز و رنجبر است نشان از این دارد که این اثر با مؤلفه‌های معنایی تفکر چپ فصل مشترک پیدا می‌کند. نکته‌های دیگری نیز در این باب است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. **تقابل با وضعیت موجود:** «ژولین ناگهان دستخوش این تصور شد که در آن سوی دیوار سالن غذاخوری گدایان بیچاره‌ای زندانی هستند که شاید به جیره گوشتشان دستبرد زده‌اند و همه این تجمل زشت و بی‌مزه را که برای خیره کردن چشم او در اینجا گسترده‌اند از محل آن دستبرد خریده‌اند.» (توکل، نقل شده در استاندال، ۱۳۳۰، ص ۱۸۴).

۲. **نفی وضعیت موجود و تغییر آن:** «این زن موجود خوب و مهربانی است عشق و علاقه آتشی به من دارد اما در اردوی دشمن پرورش یافته است. اگر مجال و فرصتی به ما داده می‌شد که با سلاح یکسان به مقابله این اشراف و اعیان برویم سرنوشتمان چه می‌شد؟ مثلاً من خودم شهردار وریر می‌شدم. شهرداری خوش نیت و مثل مسیو دورنال که در حقیقت شریف است! معاون راهب، مسیو والنو، همه نادرستی‌ها و نیرنگ‌هایشان را چه نیکو از میان برمی‌داشتم! عدالت چه نیکو در وریر پیروز می‌شد!» (توکل، نقل شده در استاندال، ۱۳۳۰، ص ۱۲۵).

۳. **تحقیر و کینه نسبت به بورژوازی:** «ژولین به سهم خود در قبال این اجتماع اشراف و اعیان که وی را در جمع خود پذیرفته بود جز کینه و نفرت چیزی در دل نداشت. روزی که روز سن لوئی بود ژولین نزدیک بود پرده از راز خویش بردارد. به بهانه آنکه سری به بچه‌ها بزند به باغ گریخت. فریاد زد: چه قدر مدح پاکدامنی می‌گویند. گویی پاکدامنی فضیلتی است که در دنیا وجود دارد و باین‌همه در قبال مردی که ثروت خود را از تاریخ تصدی اموال فقرا تاکنون دوسه برابر کرده است به چه تکریم پستی دست می‌زنند. شرط می‌توانم بست که این مرد حتی از پول مختص اطفال سرراهی هم می‌دزد. آه ای عفریت‌ها! ای عفریت‌ها.» (توکل، نقل شده در استاندال، ۱۳۳۰، ص ۴۶).

۵. نتیجه‌گیری

از آنجایی که مترجمان در هر یک از دوره‌های تاریخی با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی، ایدئولوژی و گرایش‌های روشنفکری مسلط دست به ترجمه آثار ادبی خاصی زده‌اند و نیز بر اساس گفته‌های صاحب‌نظران مطالعات ترجمه از جمله نیومارک (۱۹۸۱)، توری (۱۹۹۵) و فرحزاد (۲۰۰۰) که انتخاب کتاب از سوی مترجم جهت ترجمه را نشان‌دهنده ایدئولوژی می‌دانند، بنابراین فرآیند ترجمه تحت تأثیر ایدئولوژی مترجمان و همچنین ایدئولوژی غالب جامعه صورت می‌گیرد؛ بنابراین

مترجمان آن دوران که هر یک به گونه‌های مختلف از حزب توده و به دنبال آن ایدئولوژی چپ تأثیر گرفته بودند در زمینه ترجمه کتاب فعال شدند و دست به ترجمه آثار ادبی همسو با تفکر چپ زدند؛ به طوری که بررسی آثار ادبی ترجمه شده در فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ نشان داد که از مجموع ۲۶۰ اثر ادبی ترجمه شده، ۱۵۰ اثر یا به عبارتی دیگر بیش از نیمی از آثار ترجمه شده (۵۷ درصد)، هر یک به گونه‌ای در حیطه اندیشه چپ قرار داشتند و یا با آن فصل مشترک پیدا می‌کردند.

در واقع، ۳۷ اثر (۱۴ درصد) از آموزه رئالیسم سوسیالیستی ترجمه شد که در آثار ترجمه شده از این آموزه رسمی-حزبی، ارزش‌ها و آرمان‌های کمونیستی به گونه‌ای ایدئولوژیک به تصویر کشیده شده است؛ نویسنده مدافع نمایان سوسیالیسم است و آثارش بر مبنای محکوم کردن نظام سرمایه‌داری و در خدمت پرولتاریا و مبارزه طبقاتی آنان برای براندازی بورژوازی و پیدایش جامعه هم‌هنگ و بی‌طبقه کمونیسم است. همچنین ۴۶ اثر (۱۷ درصد) از ادبیات نویسندگان چپ‌گرا ترجمه شد که به طور کلی در این آثار ترجمه شده، نویسندگان به صورت آشکار و یا پنهان به مطرح کردن اندیشه-های سوسیالیستی و اجتماعی خود، ترسیم بی‌عدالتی‌های اجتماع، انتقاد از نظام سرمایه‌داری و دفاع از مبارزه برای تغییر این نظام و استقرار عدالت اجتماعی می‌پردازند. همسو بودن این نویسندگان و آثارشان با تفکر چپ موجب راه یافتن این آثار به ایران و اتحاد جماهیر شوروی می‌شود و مورد توجه جنبش‌های چپ در سراسر جهان قرار می‌گیرد؛ و در نهایت ۶۷ اثر (۲۵ درصد) رئالیستی نیز ترجمه شد که الزاماً به آن معنا جزء آثار چپ‌گرا محسوب نمی‌شوند اما این آثار با تکیه بر مسائل اجتماعی سعی بر نقد واقعیات جامعه و اعتراض نسبت به وضع موجود دارند و بر آن هستند تا خواننده را در تقابل با وضعیت موجود و به دنبال آن ایجاد تغییر در این وضعیت قرار دهند که از این منظر با تفکر چپ فصل مشترک پیدا می‌کنند و مورد توجه مترجمان آن دوران قرار می‌گیرند.

پتانسیل‌های اعتراضی و المان‌های انتقادی موجود در تفکر چپ، این تفکر و کتاب‌های مرتبط با آن را از همان ابتدای ورود به ایران، مهم و جزء تأثیرگذارترین نحله‌های فکری موجود کرد و باعث شد افراد به اندیشه چپ به چشم یک ابزار مناسب برای به نقد کشیدن سیاست، فرهنگ، دولت و اقتصاد نگاه کنند (خبرگزاری کار ایران، ۱۳۹۴، پاراگراف ۲۳) و به ترجمه این‌گونه کتاب‌ها روی آوردند و با هدف آگاه کردن مردم از وضعیت موجود، بیداری توده‌ها، اصلاح جامعه و مبارزه با ظلم و

استبداد و جهل و تعصب و خرافات، سعی کنند خواننده را در تقابل با وضعیت موجود و در نهایت، تغییر آن قرار دهند یا تشویق نمایند.

این مسئله که مترجمان و به دنبال آن انتخاب آثار ادبی جهت ترجمه در یکی از دوره‌های مهم تاریخی تحت تأثیر حزب توده و ایدئولوژی چپ بوده‌اند، نکته بسیار مهمی است و این بدان معنا است که انتخاب بخش مهمی از آثار ادبی جهت ترجمه تحت تأثیر تفکر چپ غالب انجام شده است؛ بنابراین می‌توان جدای از نفوذ گسترده و چشمگیر حزب توده و تأثیر آن بر روشنفکران و مترجمان ایرانی، تأثیر مستقیم ایدئولوژی چپ را در انتخاب آثار ادبی جهت ترجمه در آن دوران تأیید نمود و با وجود مشکلات و تنگناهای مختلفی که مترجمان آن دوران با آن روبرو بوده‌اند می‌توان گفت که «این ترجمه‌ها بی‌گمان در تحول ادبیات فارسی تأثیر قاطع و انکارناشدنی داشته است و ما در این عصر همچنان در ادامه نهضت ترجمه‌ای گام برمی‌داریم که از ۱۳۲۰ آغاز شده است.» (کوثری، ۱۳۸۹، نقل شده در مهرنامه، ص ۳۹).

کتابنامه

- ارزنده‌نیا، م. (۱۳۸۶). *راز زندگی در ادبیات داستانی جهان (بررسی و معرفی داستان‌ها و داستان‌سرایان مشهور مهم ایران و جهان)*. (جلد دوم). تهران: اطلاعات.
- ارزنده‌نیا، م. (۱۳۸۶). *راز زندگی در ادبیات داستانی جهان (بررسی و معرفی داستان‌ها و داستان‌سرایان مشهور مهم ایران و جهان)*. (جلد سوم). تهران: اطلاعات.
- ارنورگ، ا. (۱۳۲۶). *بازگشت از اتازونی*. (م، بابک، مترجم). تهران: مردم.
- استاندال. (۱۳۳۰). *سرخ و سیاه*. (ع، توکل، مترجم). تهران: نیل.
- اشتاین‌بک، ج. (۱۳۲۸). *خوشه‌های خشم*. (ش، مسکوب، ع، احمدی، مترجمان) تهران: امیرکبیر.
- اشتاین‌بک، ج. (۱۳۲۸). *مروارید*. (م، ج، محجوب، مترجم). بی‌جا: بی‌نا.
- امامی، ک. (۱۳۸۰). *نقش ناشران در افت و خیز ترجمه ادبی*. در دکتر علی خزاعی‌فر (ویراستار)، *مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران*، (صص. ۴۵-۵۶). مشهد: بنفشه.
- امیرفریاد، ف. (۱۳۸۰). *کارنامه ۱۵۰ ساله ما در ترجمه و نشر داستان‌های خارجی*. در دکتر علی خزاعی‌فر (ویراستار)، *مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران*، (صص. ۵۷-۷۲). مشهد: بنفشه.

- ایگلتن، ت. (۱۳۵۸). مارکسیسم و نقد ادبی. (س، آوند، مترجم). تهران: کار.
- آبراهامیان، ی. (۱۳۸۷). ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی. (ک، فیروزمند، ح، شمس‌آوری، م، مدیرشانه‌چی، مترجمان). تهران: مرکز.
- آبراهامیان، ی. (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن. (م، ا، فتاحی، مترجم). تهران: نی.
- آذرنگ، ع. (۱۳۹۳). تاریخ نشر کتاب در ایران (۲۴). بخارا، ۹۹، ۱۸۹-۱۹۶.
- آستروفسکی، ن. (۱۳۲۹). چگونگی فولاد آبدیده شد. (بهرام، مترجم). تهران: توفان.
- آسیایی، ح. (۱۳۸۳). ایدئولوژی و ترجمه. در دکتر فرزانه فرحزاد (ویراستار)، مجموعه مقالات دو هم‌اندیشی ترجمه‌شناسی، (صص. ۱۶۹-۱۸۲). تهران: یلدا قلم.
- آمادو، خ. (۱۳۳۰). سرزمین میوه‌های طلایی. (ا، صادق، ج، بهروز، مترجمان). تهران: سپهر.
- باربوس، ه. (۱۳۲۵). عدالت. (افسر، مترجم). تهران: بی‌نا.
- باشتنی، م.ر؛ فضائی جوان، م؛ کیهانفر، ع. (۱۳۸۰). فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی از آغاز تا سال ۱۳۷۰. (جلد اول). زیر نظر محسن ناجی نصرآبادی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بالزاک، آ. (۱۳۲۷). دختر چشم طلایی. (ع، توکل، ر، سیدحسینی، مترجمان). تهران: کانون معرفت.
- بالزاک، آ. (۱۳۲۷). سرهنگ شابر. (ع، توکل، مترجم). تهران: سپهر.
- بهروز، م. (۱۳۸۰). شورشیان آرمانخواه، ناکامی چپ در ایران. (م، پرتوی، مترجم). تهران: ققنوس.
- پوشکین، آ. (۱۳۲۸). دختر سروان. (ح، نوروزی، مترجم). تهران: ناقوس.
- ترسال، ر. (۱۳۲۴). بشر دوستان زننده پوش. (ر، نامور، مترجم). تهران: فرخی.
- تواین، م. (۱۳۸۹). بشر چیست. (س، بافندی، مترجم). تهران: نماد.
- تورگنیف، ا. (۱۳۳۱). داستان‌های سه تصویر، مومو، رؤیا، ساعت. (ا، میرفندرسکی، مترجم). تهران: انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی.
- تورگنیف، ا. (۱۳۳۱). شراب شیراز و ده داستان دیگر. (ش، شفا، مترجم). تهران: صفی‌علیشاه.
- تولستوی، ل. (۱۳۲۶). آهنگ کروئیتسر. (ع، خلناش، مترجم). تبریز: انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی.
- تولستوی، ل. (۱۳۳۰). قزاقان. (م، مجاب، مترجم). تهران: کتابفروشی ایران.
- جوادی یگانه، م.ر؛ تفنگ‌سازی، ب. (۱۳۹۱). تأثیر حزب توده در ادبیات داستانی ایران (۱۳۳۲-۱۳۵۷). جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۲، ۱-۲۰.
- چخوف، آ. (۱۳۳۱). بیست و پنج رویل. (ب، صفوی، مترجم). تهران: سازمان علمی و هنری.

- چرنیفسکی، ن. (۱۳۳۰). چه باید کرد. (پ، آذر، مترجم). تهران: ناقوس.
- حیدریان، م. (۱۳۸۵). *سرآمدان اندیشه و ادبیات از دوران باستان تا آغاز قرن بیستم*. تهران: قطره.
- خانلری کیا، ز. (۱۳۷۵). *فرهنگ ادبیات جهان*. تهران: خوارزمی.
- خبرگزاری کار ایران. (۱۳۹۴). *کتاب‌های چپ‌کس و چگونگی وارد ایران شدند*. برگرفته از: <http://www.farhangemrooz.com>
- خجسته رحیمی، ر؛ شبانی، م. (۱۳۸۹). *نقطه عطف فرانکلین بود نه مشروطه: بازخوانی مسیر تاریخی ترجمه ایرانی با حضور کامران فانی، خشایار دیهیمی و فرخ امیرفریار*. *مهرنامه*، ۷، ۴۵-۵۱.
- خسروپناه، م.ح. (۱۳۸۹). *سرآغاز رئالیسم سوسیالیستی در ایران، فصلنامه فرهنگ، ادب و تاریخ زنده رود*، ۵۲، ۱۹۹-۲۲۸.
- داستایوفسکی، ف. (۱۳۲۷). *آزردگان*. (م، همدانی، مترجم). تهران: صفی علیشاه.
- داستایوفسکی، ف. (۱۳۲۷). *نازنین و بویوک*. (ر، الهی، مترجم). تهران: بی‌نا.
- داستایوفسکی، ف. (۱۳۳۲). *یادداشت‌های زیرزمین*. (ر، الهی، مترجم). تهران: کتاب‌های جیبی.
- دیکنز، ج. (۱۳۲۹). *داوید کاپرفیلد*. (م، رجب‌نیا، مترجم). (جلد اول). تهران: بی‌نا.
- ساجکوف، ب. (۱۳۶۲). *رئالیسم، پژوهشی در ادبیات رئالیستی از رنسانس تا امروز*. (م.ت، فرامرزی، مترجم). تهران: تندر.
- سید حسینی، ر. (۱۳۸۷). *مکتب‌های ادبی*. (جلد اول). تهران: نگاه.
- شاو، ج.ب. (۱۳۲۷). *سرباز شکلاتی*. (س، دانشور، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- شمیسا، س. (۱۳۹۱). *مکتب‌های ادبی*. تهران: قطره.
- فرانس، آ. (۱۳۲۳). *بریان پزی ملکه صبا*. (ق، غنی سبزواری، مترجم). تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- فرانس، آ. (۱۳۲۶). *بر سنگ سفید*. (ا، دانا سرشت، مترجم). تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- فرانس، آ. (۱۳۳۲). *جزیره پنگوئن‌ها*. (م، قاضی، مترجم). تهران: بی‌نا.
- فلویر، گ. (۱۳۲۷). *مادام بوواری*. (م، پورشالچی، مترجم). تهران: صفی علیشاه.
- فویچیک، ژ. (۱۳۳۰). *زیر چوبه دار*. (ا، صادق، مترجم). تهران: بی‌نا.
- کوثری، ع. (۱۳۸۹). *روشنفکران مترجم، سرگذشت ترجمه در ایران، متن ویراسته سخنرانی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران*. *مهرنامه*، ۷، ۳۹.
- گورکی، م. (۱۳۲۳). *دانشگاه‌های من*. (ع، ا، هلالیان، مترجم). مشهد: بی‌نا.

- گورکی، م. (۱۳۲۳). *مادر*. (ع.ا، سروش، مترجم). تهران: چاپ فرهنگ.
- گورکی، م. (۱۳۲۵). *ولگردان*. (ع.ا، کسمایی). تهران: علمی.
- گورکی، م. (۱۳۳۰). *در اعماق اجتماع*. (ع، نوشین، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- گورکی، م. (۱۳۳۱). *استادان زندگی*. (ا، صادق، مترجم). تهران: هنر پیشرو.
- گوگول، ن. (۱۳۲۳). *بازرس (رویزر)*. (م.ع، شمیله، مترجم). تهران: حزب توده.
- گوگول، ن. (۱۳۳۰). *تصویر*. (ر، آذرخشی، مترجم). تهران: بی‌نا.
- لندن، ج. (۱۳۳۰ الف). *داستان‌های دریای جنوب*. (م.ج، محبوب، مترجم). تهران: بی‌نا.
- لندن، ج. (۱۳۳۰ ب). *پسر گرگ*. (م.ج، محبوب، مترجم). تهران: گام.
- لندن، ج. (۱۳۳۰). *جزیره وحشت*. (ج، بهروز، مترجم). تهران: بی‌نا.
- لندن، ج. (۱۳۳۱). *پاشنه آهنین*. (م، صبحدم، مترجم). تهران: فرخی.
- لندن، ج. (۱۳۳۲). *حماسه شمال*. (م، نوذر، مترجم). تهران: بی‌نا.
- لوکاچ، گ. (۱۳۵۱). *معنای رئالیسم معاصر*. (م، پرتوی، مترجم). تهران: سیمین‌غ.
- مارکوزه، ه. (۱۳۹۲). *خرد و انقلاب*. (م، ثلاثی، مترجم). تهران: ثالث.
- محمدی، ع.م. (۱۳۸۰). *جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مترجم و ترجمه آثار ادبی*. در دکتر علی خزاعی‌فر (ویراستار)، *مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران*، (صص ۲۳۹-۲۴۵). مشهد: بنفشه.
- مسعودی‌نیا، ع؛ رخشا، ر. (۱۳۸۹). *در ایران از در و دیوار مترجم می‌ریزد: گفت‌وگو با بهمن شعله‌ور درباره وضعیت ترجمه در ایران*. *مهرنامه*، ۷، ۸۱-۸۲.
- میرعابدینی، ح. (۱۳۶۶). *صد سال داستان‌نویسی در ایران*. (جلد اول). تهران: تندر.
- میرعابدینی، ح. (۱۳۷۷). *صد سال داستان‌نویسی ایران*. تهران: چشمه.
- میرعابدینی، ح. (۱۳۹۲). *تاریخ ادبیات داستانی ایران*. تهران: سخن.
- نوابی، د. (۱۳۸۸). *تاریخچه ترجمه از فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تاکنون*. کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- وینچ، ا.ل. (۱۳۳۲). *خرمگس*. (د، همایون، مترجم). بی‌جا: بی‌نا.
- هاشمی، ا. (۱۳۸۹). *نهضت ترجمه*. تهران: کتاب مرجع.
- همینگوی، ا. (۱۳۳۲). *مرد پیر و دریا*. (م، یحیوی، مترجم). تهران: کانون معرفت.

- Alvarez, R. & Vidal, M.C. (1996). Translating: A political act. In R. Alvarez & M. C. Vidal (Ed.) *Translation, Power, Subversion* (pp. 1-9). Philadelphia: Multilingual Matters.
- Cullernbown, M. (1991). *Art under Statlin*. Oxford: Phaidon Press.
- Toury, G. (1995). The nature and role of norms in translation. In L. Venuti (Ed.) *The Translation Studies Reader* (pp. 198-211). London: Routledge.
- Tyson, L. (1999). *Critical theory today: A user-friendly guide*. New York: Garland.
- Zekulin, G. (1963). Forerunner of socialist realism: The novel what to do? by N.G Chernyshevsky. *The Slavonic and East European Review*, 41(97), 467-483.

